

کاروانسراهای همدان در خواب غفلت و رخوت مسئولان

سپهر غرب، گروه گردشگری - عباس سریشی: با وجود ظرفیت‌های بسیار بالای کاروانسراهای تاریخی در جذب گردشگر و آشنایی فرهنگی و تاریخی، اما هنوز رویکرد اقتصادی و منفعتی از این فضاها در رأس کار قرار دارد.

کارشناسان بر این عقیده‌اند که حفظ و نگهداری
بُنیه و معماری گذشته که نشان‌دهنده ارزش‌های
فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و به‌طور کلی، تاریخ
چهارپایان‌های انسان‌ها را جامعه در ادوار تاریخی متفاوت
تولید می‌کند. میراث گران‌بهای برای نسل‌های آینده به‌شمار
می‌رود. از این‌رو رها کردن بافت‌ها و بناهای تاریخی،
انسان معاصر را از بهره‌گیری عالمانه از تجارب گذشته
محروم می‌کند. قرار گرفتن در مسیر تلاطم تاریخی که رمز بقای هر
فرهنگی است، بازی دارد.

مضای بر آن، میراث تاریخی دوزهای مختلف،
 شانه امنیت، بلوغ حاکمیت، تسلط بر راهها و مدیریت
 تجارت و سفرهای مردمان سرزمین بوده و همچنین
 جاذب نوعی از گردش‌های گوناگون به معماری و
 ساخت چنین بناهایی است. در این بین بسیاری از
 محققان و صاحب‌نظران معماری، کاروانسراهای ایران
 را مهم‌ترین نشانه پیریزی و موفقیت معماری ایران
 بشمار آورده و استادکاران ایرانی را در ایجاد این گونه
 بناها متبحر و پیش‌قدم دانسته‌اند.

این بدان معناست که کاروانسراهای ایران، علاوه بر ارزش هنری از دیدگاه مسائل اجتماعی نیز حائز اهمیت فراوانی بوده و شایسته مطالعات گسترده هستند زیرا این بناها نه صرفاً مکانی برای تجارت و با استراحت بلکه محل تعامل و تعامل اندیشه‌ها و تبادل و تقابل آداب‌ورسوس و ملل مختلف بوده و نیز دیدی این تماس و تلافی انسان‌ها و اندیشه‌ها، نشانگر تأثیری شگرف بر زندگی مردم داشته‌است. استادان تاریخی می‌گویند که احداث کاروانسرا در ایران، سابقه‌ای بسیار طولانی است و ساخت آن در جاده‌های پرتردد به‌منون خیلی برای استراحت و سربانه مسافران در ادوار مختلف از اهمیت خاصی برخوردار بود و نمونه‌های بسیار زیبا و باهوشانه، معماری این گونه بناها که در پهنه سرزمین ایران از کاروانسراهای رود رس تا سواحل خلیج فارس به یادگار مانده معرق ذوق هنری و ماهران، بنایان، استادکارانی است که در دوره‌های تاریخی، با همگون و با توجه به نیازهای گوناگون، باعلاقه فراوان و بر طریق تحول، تکامل، زیبایی و گسترش کاروانسراها کوشیده‌اند.

از توری کتاب تاریخ تمدن ایران، این گونه برمی آید که دوران صفویان عصر طلایی و شکوفایی ساحت کاروانسراها بوده و این سازه‌های بزرگ و وسیع، مسکن و مأویه امین برای سفیرندگان و بزرگان بودند؛ همچنین در این دوره، معماری کاروانسراها به نظر می‌رسد که تنوع نقشه‌ها به اوج شکوفایی رسیده است. در مسیر شهرها، روستا و معابر کوهستانی و توری کوی، کاروانسرا و رباط‌های شهرنوردی در مراکز اقتصادی و راسته‌بازارها، کاروانسراها و رباط‌های شهرنرپی با ویژگی‌های متفاوت کاربردی احداث شدند.

اما هم‌زمان با صنعتی شدن و بهره‌مندی از وسایل نقلیه موتوری، کاروانسراها رونق آغازین خود را از دست داده و در اثر خالی و متروکه ماندن، رو به ویرانی نهاده‌اند. گو اینکه شماری دیگر نیز تغییر کاربری داده و به پاساژ، پارکینگ، انبار و غیره تبدیل شدند. فشینان عوامل در کنار بی‌توجهی و عدم دلسوزی باعث شده تا آرام‌آرام این موارث کهن تمدنی رو به نابودی قرار گیرد.

”توجه به کاروانسراها در حوزه گردشگری

هرچند امروزه با توسعه مدرنیته و شهرسازی و تبع آن ساخته شدن بازارها، مراکز خرید و پاساژها دیگر کاروانسراها دارای آن اعتبار و رونق سابق نیستند، باین حال از آنجاکه کاروانسراها بخش مهمی و مؤلفه های تاریخی و نیز از جاذبه های گردشگری و به شمار می روند این تصور وجود دارد که می توان با دادن هویت جدید به اینها ضمن بازگرداندن آن سرمایه های ارزشی به چرخه حیات از آن ها در مسیر

جاری، تولیدی و غیره هستند با سبک معماری دوره
اجاریه ساخته و وسعتی حدود ۳۰ هکتار دارند
که هرچند طی سال‌های گذشته عملیات مرمت،
ازسازی، ایمن و استحکام‌بخشی آن‌ها آغاز شده و
با توجه به نیاز امروز به تجهیزات مانند

سرویس بهداشتی، نورپردازی و ایجاد روشنائی و تزیینات به‌مه‌ج‌ز شده‌اند، اما مشاهدات میدانی روایت از آن دارد که متأسفانه به دلایل مختلف و در رأس آن‌ها عدم توجه به بازسازی مناسب، حال و روز برخی از این آثار فاخر چندان رضایت‌بخش نیست و نمی‌توانند به گونه‌ای که باید و شاید در حوزه گردشگری به ایفای نقش بپردازند.

موضوع اینجاست که امروزه کاروانسراهای موجود در شهر همدان به دلیل گرفتار آمدن در یک چرخه

استفاده تجاری با محرومیت منفعت فردی برای مالکان یک سئو و نیز اصرار و تأکید بر حفظ بافت و عدم ترک بردن در ساختار کهنه و فرسوده آن‌ها را سوزی متولیان فرهنگی و تاریخی، نقطه بی‌معنای معادله دو جبهه‌ای بلکه در کشاکش دوسویه قرار گرفته که همین امر باعث شده تا در روند کاری آن‌ها همیشه شاهد چندانگی تصمیم‌گیری متولیان فرهنگی و تاریخی با مدیریت شهری و بعضاً بالاکلیف مالکان کاربرانی باشد.

متأسفانه شاید به واسطه وجود همین
ابهام‌نگی‌ها و عدم شفافیت در تصمیم‌سازی و
ساختاربخشی‌هاست که باعث شده گاهی برخی
فردا بدون توجه به ارزش ذاتی این آثار، خودسرانه
به تخریب و تغییر در آن‌ها پرداخته و یا به علت عدم
توجه به مرمت صحیح و اصلاح منطقی و منجانب‌ساز
افکار، به اسم احیا شاهد افزایش گسترش روند

گو اینکه در این بین موضوع تمرکز و توجه افراطی به یکی دو اثر و فراموشی و بی توجهی به آثار دیگر نیز

بسیار مشهود بوده که خود ترجمان آشکاری است از تبعیض و تفاوت در نگرش به این موارث ارزشمند و تاریخی که قدر مسلم نه توجیهی می‌توان بر چرای آن و نه دلیل محکمه‌پسندی بر بی‌توجهی به آن‌ها آورد.

ره‌اشدگی پس از تعمیر

اما واقعاً به همه مشکلات و مباحث موجود در خصوص کارانسان‌ها و رهاشته‌ها و تیمچه‌های تاریخی همدان، شاید موضوع ره‌اشدگی، عدم کنترل در حفظ چیدمان منظم و زودن آشننگی‌های بصری آنها به‌ی‌توجهی به مقوله فرهنگی کردن آن‌ها، پس از تعمیر و مرمت، مهم‌ترین آسیب و معضل باشد که گرفتار این ارشداده‌ها شده‌است. باعث شده باوجود هزینه‌کردهای بسیار کلان چند دهه‌میلاردی اما بازهم پای این بن‌های ارزشمند تاریخی در هم‌راهی استان در حوزه گردشگری لنگ بزند و نتوانند به‌مانند بقیه مقایز ارزشی برای گفتن به‌ویژه برای براندازی‌های فرهنگی داشته باشند.

واقع امر این است که متأسفانه این آثار فقط به مرز تعمیرات احيایي پيش رفته و بعداز آن دقیقاً در جایی که کار به نتیجه رسیده و محصول تقریباً آماده عرضه و نمایش به گردشگران بوده آن را به حال خود رها کرده و به‌جز در موارد خاص برای سرکشی‌های دوره‌ای و با در صورت بروز موضوعی حاد، دست‌سرازی از این ابنیه‌ها نمی‌شود. در نهایت همین خلاهای نظارتی است که باعث می‌شود این بناهای تاریخی نتوانند آن گونه که بایست به شایسته‌است در حوزه توسعه و رونق گردشگری و استفاده از آن گریزند.

البته همین خلأها نیز بعضاً دست‌مایه خوبی است تا برخی مالکان و کاربران این اماکن بتوانند آن‌گونه که مصلحت می‌دانند و می‌خواهند در آن‌ها جولان دهند و از فضای این آثار به نحوی مقتضی

کمال سوءاستفاده را داشته باشند که مصداق این
معدما را می‌توان در چیدمان‌های بی‌ربط و منطقی
آکالا در مسیر و معبر مردم و یا تصاحب رصع‌ها و
محیط‌های این سرراه دید. حال اگر به این دست
مشکلات، داستان آن گروه را نیز که با پارک خودرو
و موتورسیکلت به این آشوب دامن می‌زنند و با
انداختن بساط قلیان و تدخین و غیره، فضای
فرهنگی و تاریخی را تحت تأثیر رفاهای خود قرار
می‌دهند را هم اضافه کنیم که دیگر هیچ...

البته موضوع رهاشدگی این سراها صرفا مربوط به شیوه کاربری آن‌ها با شکستن حریصانه نیست و خود به سازه آن‌ها نیز بازی گردد چرا که شیوه تعمیرات اولیه که بضای این‌ها در صورت مشکلات متعددی از قبیل ناهماهنگی و عدم تجانس مصالح با بافت اصلی، عدم استفاده از مصالح توانمند و پائیدار، عدم توجه به همه روایای مورد نیاز به تعمیر، فقدان پیگیری‌های مستمر و رفع معایب به‌صورت درونی و غیره است؛ اما به گفته بسیاری از مالکان و کاربران، در اندک زمانی بعد و به‌مجرد نخستین بارش‌ها ریزش‌ها بروز مشکلات متعددی از قبیل نل، چکه و بارش‌ها رخ می‌دهد و در این گونه مرمت‌ها هاستیم که بیابانگر می‌تواند به کیفیت کار مصالح و با عدم کارگری بی‌توجهی به این‌ها منتهی شود.

استادکاران و صاحب‌نظران باتجربه در این گونه تعمیر و مرمت‌هاست. چنانکه در پی بارش‌های زمستان و نیز نزولات جوی نسبتاً سنگین فروردین‌ماه امسال، بسیاری از این ابنیه دچار مشکلات متعددی از قبیل گچ‌ریز، ریزش و یا سپردگی و گرفتگی سقف و کف شوره و مجاری فرایب شدند که این موضوع نیز باید مورد توجه و تأمل مسئولان امر قرار گیرد.

”سازه تاریخی منهای شعار فرهنگی بسیاری از صاحب‌نظران فرهنگی و مطلعان در حوزه گردشگری استان معتقدند که نخستین و مهم‌ترین نقص در باب استفاده حداکثری و بازنمایی

این آثار در حوزه گردشگری و توسعه این صنعت، موضوع فقدان یک سازوکار مدون و مشخص در خصوص معرفی، اطلاع‌رسانی، راهنمایی و تسهیل در دسترسی به آن‌ها است گو اینکه امروزه به‌جز قدیمی‌های شهر شاید فقط اندک شماری از ساکنان و یا جوان‌ترها آدرس و نام این اماکن را بدانند.

گردشگری بازارهای مبدان (با محوریت کاروانسراها) قطعاً فقدان زیرساخت‌های فرهنگی، خدماتی و رفاهی درون آن‌هاست که خودنمایی می‌کند؛ چراکه متأسفانه باوجود همه مرزها و تغییرات صورت گرفته، اما هنوز هیچ اقدامی قابل‌توجهی، خدماتی، اطلاع‌رسانی و یا بهداشتی مناسب، مقبول و متناسب با فرهنگ گردشگران در آن‌ها وجود ندارد تا مسافران بتوانند با خیال راحت و بدون مشکل خاصی از این استان استفاده کنند.

ناگفته پیداست که وقتی گردشگران (اعم از داخلی یا خارجی) نتوانند جدا از مقوله رفاهی به صورت مستند و مطمئن از چند و چون تاریخی و فرهنگی این اثر اطلاعاتی به دست آورند و یا این امکان را نداشته باشد که در فضایی به‌دور آشنختگی‌های بصری موجود در این اماکن برای لحظاتی در آرامش بدون دغدغه، خود را در محیطی تاریخی تصور کنند ناگزیر رغبت چندانی هم به حضور در این اماکن نخواهند داشت.

در حال حاضر نیز به‌جز یکی دو مورد خاص از این کاروانسراها و مسافرهای همدان در بقیه موارد نه‌تنها هیچ‌کس به‌خاطر خدمت فرهنگی و رفاهی خاصی در آن‌ها نی‌شود بلکه هیچ فردی مسؤول مشخصی برای خوشامدگویی، راهنمایی و بارانزه اطلاعات در آن‌ها به‌دو می‌شود (از مالکان قیمتی) وجود ندارد. موضوعی که بر برخی به‌خاطر داشتند و باشن در رویداد ۲۰۱۸ بسیاری مورد تأکید قرار گرفت اما در نهایت اتفاق خاصی رخ نداد و چیز زیادی هم از این رویداد دست خاکی‌ها نرفت.

متأسفانه این یک واقعیت غیر قابل انکار است که امروزه با وجود ظرفیتهای بسیار بالای این امکان در جذب گردشگر و توشیح زبانی فرهنگی و تاریخی، اما هنوز رویکرد اقتصادی و منفعتی در رأس کار قرار داشته و عمده حرمردان رز نیز به توجیه این مباحث هرگونه که باشد، به این امکان ضروری می کنند که آن گونه که باید زبانی برای این جماعت، حجره های کاروانسرا و سراهای موجود بینفردی در حکم مغازهای شخصی را داشته تا با این امکانات فرهنگی و تاریخی، و البته فرقی هم نمی کنند که این مکان، سرای نو، قلدمانی، گلشن، شریفیه، حاج رفیع فرخان و عاقوب باشد یا کاروانسرای میرزا قاضی، گلشن، حاج میرزا و صفرائی، زبیری ساختار و طاقم، پهنای به همراه آشنفگی بزرگ، به ماحصل از

نی‌نظمی کسبه و عدم توجه به مقولات فرهنگی در این زمینه قطعاً مهم‌ترین مشکلات فعلی آن‌هاست که کمتر در حوزه گردشگری مورد توجه قرار می‌گیرد. اما اینکه به‌تازگی عجب‌آباد است اینک به گفته مدیران و متولیان، اقتصاد شهر همدان در آینده باید بر بنای گردشگری تعریف شود که بی‌شک در این راستا می‌تواند با تلاش و کنش‌های به‌موقع و واقعی به سمت توجه به بافت‌های سنتی شهر و کیفیت‌سنجی بعدی آن‌ها حرکت کرد و از همه این ظرفیت‌ها به‌خصوص در مورد سراسراها و کاروانسارهای موجود در مرکز شهر همدان به‌کاروانسار قلب پندیده شهر) برای رونق صنعت گردشگری بهره‌برداري لازم را برد.

کارشناسان و صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که باید با ایجاد زیرساخت‌های و جاذبه‌های گردشگری، زمینه ماندگاری مسافران و گردشگران در همدان را افزایش دهیم؛ روافع افزایش گردشگران با ایجاد زیرساخت‌ها و جاذبه‌های گردشگری، بهبود در دسترس‌ی و ارتقای سطح کمی و کیفی خدمات دورنی این‌ها ممکن خواهد بود و این در حالی است که امروزه از این آب‌وهوا به‌جز درودیار و مغازه‌هایی که عمدتاً نیز عملکردشان هیچ سخنی با یافتن ندارد و مملو از آشنگی‌های بصری است چیزی برای بردن باقی‌نمانده‌است.